

یادی از کابل

کابلم شیرژیان پرور و در دانه چه شد
آنهمه عاشق، بیباک و فرزانه چه شد
یاد آن خاطره ها برده قرار دل من
جاده و پخته فروشی و رکاخانه چه شد
جوی شیر ندیدم که کنم تازه وضو
مسجد خواجه صفا و پیر پروانه چه شد
رفته هندو همه از کارته پروان ز جفا
گلرخان سیمتنان از در بتخانه چه شد
شهر غلغله و باغ لطیف راکه سوخت
خم زرگر فرو ریخته و میخانه چه شد
قمری و شانه سرک رفته ز باغ بالا
باغ هندو، و بابر، گل و گلخانه چه شد
نبود شور و شمع در دل زرنکار
همه آزرده دل اند مردم مستانه چه شد
نشود ساز و آهنگ ز خرابات بلند
ساز یعقوب و قاسم و افسانه چه شد
یک دل شاد نبینی که رود قرغه گهی
باغ ناران و چار چته و خیر خانه چه شد
رفته از خاطره ها تپه پغمان چرا

باغ داود و سراجی و بارانه چه شد
شاد باد خاطره ها زان همه مهر و صفا
باغ قاضی و قصاب کوچه و خوشخانه چه شد
روزگاریست که در شهر نو و تایمی
هرچه بوده "نهان" است و کاشانه چه شد
محمد آصف "نهان" سدنی
20/12/2011

برو ز ما

ای گل توبوی یار نداری برو ز ما
ای باشه توشکار نداری برو ز ما
در نعمت و ناز کی دیده یتیم را؟
ای بی خبر ز حال دل زار برو ز ما
گر مست و قلندر همه پیمانہ شکستند
از میکده بیرون شو و در راه برو ز ما
بر چشم تو ابرو نکند سایه از آنرو

خود روشنی چو نار مسوزم پرو ز ما

مژگان تو تیغیست که برنده جان است

قلبم دو نیم کرده ز دل‌های غم پرو ز ما

لبهای تو چون لعل درخشید و نجیبید

رخشنده شد لعل تو آنجا پرو ز ما